

## بررسی هویت اجتماعی زنان در دهه هشتاد و نود هجری شمسی (مطالعه موردی رمان های نخبه گرا و عامه پسند)

زیبا مرادی

دانشجوی کارشناسی ارشد در رشته ادبیات، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شیراز، ایران

زهرا رفیعی

عضو هیئت علمی رشته ادبیات، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شیراز، ایران

### چکیده

در این مقاله، با بررسی هویت و زیست روزمره قهرمانان زن داستان ها در بستر حوادث و ماجراهای داستانی، سعی کرده ایم تا به تصویری از هویت اجتماعی زنان در آثار نویسندگان زن دهه هفتاد شمسی ایران در دو نوع رمان های نخبه گرا: «طوبی و معنای شب، از شیطان آموخت و سوزاند» و رمان عامه پسند: «چراغ ها را من خاموش می کنم، بگذار عاشقت باشم» دست یابیم. بررسی ها نشان می دهد که در رمان های نخبه گرا، هویت زنان، دغدغه اصلی نویسندگان است و به طور مشخص در هویت یابی زنان نوشته شده اند؛ اما در داستان های عامه پسند، زنان داستان ها از فردیت و استقلال هویتی برخوردار نیستند و خود اندیشی و جستجوی هویت، موضوع محوری آن ها نیست. با توجه به تأثیر رمان، در شکل دهی به شناخت و ذهنیت افراد درباره مسائل اجتماعی و با توجه به حضور گسترده زنان نویسنده در عرصه رمان نویسی در دهه هشتاد و نود شمسی، این مقاله در پی بازنمایی هویت اجتماعی زنان است که در بستر روایت داستانی، نحوه کنش قهرمان زن را در موقعیت های مختلف داستانی تعیین می کند که آن می تواند نمایشی از هویت زنانه ای باشد که در جامعه وجود دارد.

**واژگان کلیدی:** هویت اجتماعی، رمان، نخبه گرا، عامه پسند، زنان

## مقدمه

ادبیات، بستر مناسبی برای مطالعات جامعه شناسانه محسوب میشود و رمان، مهمترین فرم ادبی است که تصویر روشنی از جامعه ارائه می‌دهد. تأمل در سیر تحول ادب و فرهنگ ایران نشان می‌دهد که هسته مرکزی هویت ایرانی را زبان و ادبیات شکل داده است و ایرانی، زبان و ادبیات را بیش از هر عنصر فرهنگی و انسانی دیگر، عامل تداوم و تبلور آرمان و تجلی اندیشه خود دانسته است. (قبادی، ۱۳۸۳)

از این‌روی، ادبیات از جمله عرصه‌های اندیشه است که زنان در سالهای اخیر سهم انکارناپذیری در آن داشته‌اند. در دوره معاصر با حضور پررنگ‌تر زنان در عرصه رمان‌نویسی، امکان بیشتری برای روایتی دقیق از جنبه‌های مختلف زندگی و تجربه‌های زیسته زنان برای نویسندگان به وجود آمده است. نویسندگان زن با خلق قهرمان‌هایی از جنس خود، احساسات و تجربه‌های زنانه را در قالب رمان بازگو می‌کنند. آنها با بیان لایه‌های پنهان از زندگی روزمره خود، خواننده را به بازاندیشی در هویت زنانه فرا می‌خوانند. دغدغه و دل مشغولی‌ها به واسطه روزمرگی از نظرها پنهان می‌شوند و تبدیل به امور بی اهمیت و پیش پا افتاده می‌گردند. در حالی که در بستر همین زندگی روزمره، نقش‌ها و هویت‌های زنانه شکل می‌گیرد و به عنوان امری قطعی تلقی می‌شود. زنان با نگاشتن از خود، زمینه رسیدن به شناختی را فراهم می‌کنند که از کارهای اصلی ادبیات در جامعه است؛ این شناخت، زمینه‌ای برای تولید حقیقت و به چالش کشیدن مفاهیم تثبیت شده ایجاد می‌کند «هنگام نوشتن به طور حتم مسائل فرهنگی که از راه گفتمان در ذهن نهادینه شده، به نوعی در داستان بازتاب می‌یابد و یکی از این گفتمان‌های قدرتمند، گفتمان جنسیت است» (پاینده، ۱۳۸۹)

در ادبیات کلاسیک فارسی، متأثر از فضای تقابلی نهادینه شده اندیشه، «تصویری واقعی از زنان به دست داده نشده است؛ این زن گاهی زنی آرمانی است که تنها در رؤیاهای شاعران نمود پیدا می‌کرده، یا زنی تحقیر شده، که موجب ضلالت مردان بوده است» (حسینی، ۱۳۸۸)

اما در ادبیات معاصر و در آثار زنان نویسندهای چون «سیمین دانشور» صدایی برآمده از درک و دریافت زنانه از زندگی شنیده شد که آغازگر ظهور آثاری گردید که در صدد بیان هویت و فردیت زنان برآمدند. از ویژگی‌های بارز فضای ادبی دهه هفتاد، حضور کم سابقه نویسندگان زن در عرصه اجتماع است. نویسندگان زن در قلمرو ادبیات داستانی دهه دوم پس از پیروزی انقلاب، به رشد قابل توجهی میرسند. اکبری شلدره ای معتقد است: دهه دوم بی گمان سالهای تثبیت جایگاه و رسیدن به تعالی منزلت اجتماعی و فرهنگی و سرانجام، ایام درخشش و خودباوری زنان است. به همین سبب، در دهه دوم شاهد بالندگی نویسندگان زن و آفرینش آثار بسیاری از سوی آنها هستیم. (میرعابدینی، ۱۳۸۲)

در طبقه بندی آثار نویسندگان زن در دوران اخیر، آنها را به سه گروه: آثار عامه پسند، آثار متعالی و آثاری که بین این دو دسته قرار دارند، دسته‌بندی کرده؛ اما معیار مشخصی برای این دسته بندی ارائه نکرده است. می‌توان ملاک عینی‌تری نیز تعریف کرد تا منتسب کردن هر اثر به یک گروه، توجیه پذیر و نیز خارج از سلیقه شخصی محقق صورت پذیرد. با ترسیم مثلثی که یک طرف آن اقبال عامه (نشان دهنده عامه پسند بودن اثر) و طرف دیگر، توجه روشنفکران و منتقدان ادبی (بیانگر تعلق آن به ادبیات متعالی) است، می‌توان آثار بینابین را آثاری دانست که هم تا حدی از اقبال عامه برخوردارند و هم تا حدودی از اقبال روشنفکران. با توجه به این تعریف از دو گروه، در این پژوهش چهار رمان از آثار نویسندگان زن در دهه هشتاد و نود شمسی انتخاب شد؛ آثار عامه پسندی چون: طوبی و معنای شب، از شیطان آموخت و سوزاند یا نخبه گرا مانند: چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم و بگذار عاشقت باشم؛ بررسی شده است. منظور از رمان نخبه گرا در این نوشتار، رمان‌هایی است که در طول دهه هشتاد و نود، برخی جوایز ادبی را دریافت کرده و مورد توجه روشنفکران و منتقدان ادبی قرار گرفته‌اند و مراد از رمانهای عامه پسند، رمان‌هایی است که با هدف مصرف‌گرایی تولید می‌شوند و مخاطبان‌شان بیشتر برای تفریح و تفریح به آنها گرایش دارند.

## مبانی نظری و پیشینه پژوهش

### هویت اجتماعی

هویت اجتماعی درک از این مطلب است که چه کسی هستیم و دیگران کیستند و از آن طرف، درک دیگران از خودشان و افراد دیگر (از جمله خود ما) چیست. از این رو هویت اجتماعی محصول توافق و عدم توافق است و می‌توان در باب آن نیز به چون و چرا پرداخت. زندگی اجتماعی انسان بدون وجود راهی برای دانستن این که دیگران کیستند و بدون نوعی درک از این که خود ما کیستیم غیر قابل تصور است. هویت اجتماعی شخص هیچگاه یک موضوع تمام و حل شده نیست و در واقع هویت را صرفاً می‌توان همچون یک فرآیند فهم کرد. (جنگینز، ۱۳۹۱)

آنچه مردم درباره ما می‌اندیشند از آنچه ما درباره خودمان می‌اندیشیم اهمیت کمتری ندارد. اینکه شخص بر هویت خود تأکید کند کافی نیست اشخاصی که با آنها سر و کار داریم نیز باید آن هویت را معتبر بدانند. هویت اجتماعی هرگز امری یک جانبه نیست. آنچه یک گروه انسانی را هویت می‌بخشد شباهتی است که باعث تفاوت آنها از گروه‌های دیگر می‌شود. شباهت و تفاوت معناهایی است که افراد آنها را می‌سازند. فرهنگ جوامع بشری فرایند تفاوت و شباهت را عینیت می‌بخشد. ابزارهای فرهنگی هویت ساز باعث شکل‌گیری مقوله‌های هویتی در بین جوامع بشری می‌شوند. زبان، مذهب، پوشاک، علایق زیبا شناختی، تفریحات و سرگرمی، تغذیه و... مواردی فرهنگی است که برای زندگی هر گروهی ایجاد معنا می‌کنند و باعث شباهت درون گروهی و تفاوت از برون گروه می‌شوند.

### عوامل مؤثر بر هویت اجتماعی

دو رویکرد به هویت اجتماعی وجود دارد: ۱- رویکرد ساختاری که ساختار اجتماعی تولید و جایگاه فرد در این نظام تولید، مبانی هویت اجتماعی است که همان مفهوم طبقه اجتماعی فرد است. ۲- رویکردی که نگرش‌های هنجاری شالوده هویت‌های اجتماعی محسوب می‌شود. (دستغیب، ۱۳۹۱)

از نظر گیدنز شاخصهایی چون اعتماد به نفس، گستره شبکه ارتباطی افراد، میزان رضایت از خود و میزان عقلانیت، عوامل مؤثر بر شکل‌گیری هویت اجتماعی است. (خسروی، ۱۳۹۲)

یکی از نتایج، تغییرات سریع و وسیعی است که در ساختارها و به ویژه در چشم‌اندازهای فرهنگی، طبقه، جنسیت، روابط جنسی، قومیت، نژاد و ملیت پدید آمده، هویت است. بنابراین هویت اجتماعی شخص هیچگاه تمام شده نیست و مداوم در معرض تغییر و تحول و بازنگری است. باور عمومی بر این است که زنان از طریق تأثیر رسانه‌ها و یا سایر مراجع آگاهی‌دهنده به هویت جنسیتی فعالی رسیده‌اند. در شکل‌گیری آگاهی بر مؤلفه‌های ساختاری و جمعیتی، تجربیات زنانه تأکید می‌شود. نقش پیش‌دوری‌های ایدئولوژیکی، شرایط زندگی دوران کودکی و بزرگسالی، جامعه‌پذیری فرهنگی و جنسیتی، منابع اعتباری مانند تحصیلات، روابط خانوادگی، میزان قدرت زنان در خانواده و اجتماع از طریق دست‌یابی به سرمایه‌ها و منابع ارزشمند، همگی در شکل‌گیری آگاهی و شناخت جنسیت مهم تلقی شده است. دارا بودن سرمایه‌های گوناگون مادی و غیرمادی مانند سرمایه فرهنگی (سلیقه، ذائقه...) و سرمایه اجتماعی (شبکه‌های ارتباطی و اطلاعاتی، اعتماد و...) و قدرت بهره‌برداری آزادانه از آنها در حوزه خانواده و خارج از آن به افزایش آگاهی زنان خواهد انجامید. مطابق نظر گیدنز زنان که در جامعه ما قبل مدرن از مشارکت کامل در عرصه فعالیت‌های اجتماعی محروم بودند، گشادگی دوران تجدد را کامل‌تر ولی تناقض‌آمیز تجربه می‌کنند. در جوامع جدید زنان از سویی فرصت آزمون شانس خود را در طیف وسیع‌تری از امکانات دارند و از سوی دیگر در فرهنگ مرد گرایی، بسیاری از این راه‌ها به روی زنان بسته می‌ماند.

در کنار تحولات فرهنگی، دگرگونی‌های عرصه اقتصاد و مشارکت زنان در درآمد زایی و ازدیاد فرصت‌های آموزشی همراه با آن، موجب تعدد گروه‌ها و گسترش روابط اجتماعی و تعلقات گروهی زنان شده و تکرر منابع هویت‌سازی زنان را در پی داشته است. تأثیر عمیق این فرآیند هم در نهادهای جامعه و هم افزایش آگاهی زنان، موجب تضعیف مشروعیت نقش‌های زنان در خانواده‌های سنتی (پدرسالار) به ویژه در میان زنان تحصیل کرده و شاغل می‌شود. (جعفری، ۱۳۸۸)

## پیشینه پژوهش

مهرابی و همکاران (۱۴۰۲) در مطالعه ای به بررسی سیمای زن در رمان پس از انقلاب پرداختند. یافته ها نشان می دهد که تفاوت معنا داری بین جنسیت نویسندگان و شخصیت های داستانی در طرح مسایل زنان وجود ندارد اما اتخاذ موضعی جدید در آثار زنان نمود بیشتری دارد. تفاوت آنجاست که نویسندگان مرد در چارچوب رویکردهای مدرن حقوق زنان می-اندیشند ولی زنان کوشیده اند خوانشی بومی از حقوق خود متناسب با بستر تاریخی طرح کنند اما این شیوه تفسیر از سنت، به تولید محتوای مدرنی منجر نشده است.

مهدی نژاد و همکاران (۱۳۹۸) در مطالعه ای به بررسی و مقایسه هویت اجتماعی زن در رمان های نخبه گرا و عامه پسند زن نگار در دهه هفتاد شمسی پرداختند. بررسی ها نشان می دهد که در رمان های نخبه گرا، هویت زنان، دغدغه اصلی نویسندگان است و به طور مشخص در هویت یابی زنان نوشته شده اند؛ اما در داستان های عامه پسند، زنان داستان ها از فردیت و استقلال هویتی برخوردار نیستند و خود اندیشی و جست و جوی هویت، موضوع محوری آن ها نیست.

قاسم زاده و همکاران (۱۳۹۲) در مطالعه ای به بررسی هویت زنانه در عناوین رمان های نویسندگان زن پس از انقلاب اسلامی پرداختند. مطابق نتیجه این پژوهش، در کنار حضور صعودی و سیر پرشتاب رمان نویسان زن در جامعه، گرایش آن ها به انتخاب عناوین رمانتیک و عامه پسند و در مرتبه بعدی عنوان بندی متناسب با منش زنانه بنیاد و تفکرات فمینیستی برای هویت یابی و کسب مشروعیت در روایتگری مشهود است.

زنان ایرانی در طول تاریخ برای مشارکت در امور اجتماعی و بالفعل ساختن نیروهای خود در توسعه جامعه و ایفای نقشهایی فراتر از چهارچوب خانواده با دشواری هایی مواجه بوده اند. مقارن با انقلاب مشروطه، هنجارها و افکار سنتی به تدریج مورد پرسش قرارگرفت و زنان برای نخستین بار به مشارکت اجتماعی روی آوردند. پس از پیروزی انقلاب و خاصه در دهه های اخیر، تحولات فرهنگی و ساختاری موجب دگرگونی نقشهای اجتماعی و افزایش آگاهی زنان شده است. در واقع، آنچه در جامعه ما در حال وقوع است، شکل گیری هویت تازه زنان ایرانی متأثر از تحولات اجتماعی اخیر به صورت تدریجی است. «ذات و ماهیت زنانه تنها وقتی پدیدار میشود که زنان خود بتوانند آن را ایجاد کنند و فرصت پرورش و شکل گیری به آنها داده شود. خودفهمی زنان به وسیله فرهنگ و زیانمردانه صورت میگیرد که باید مورد تحلیل و نقد قرار گیرد. تحولات فرهنگی، اقتصادی و مشارکت زنان در امور درآمدزا و ازدیاد فرصتهای تحصیلی و آموزشی موجب تعدد اجتماعات و تعلقات گروهی زنان شده و در نتیجه، تعدد و تکثر منابع هویت سازی زنان را در پی داشته است. که این فرایند، تأثیر عمیقی بر نهادهای جامعه و آگاهی زنان گذاشته و موجب کاهش مطلوبیت الگوی زن سنتی در خانواده پدرسالار خاصه در میان زنان تحصیل کرده و شاغل شده است... هویت اجتماعی، تعریفی است که فرد از خودش براساس عضویت در گروه ها و رده های گوناگون اجتماعی میکند. معمولاً افراد، نقشهای اجتماعی متعددی را برعهده دارند که تابع عضویت آنها در نهادها و گروه های گوناگون است که شخص توسط آن روایت معینی از هویت شخصی را محفوظ می دارد و در عین حال «خود» او نیز از ورای همین روایت در معرض تماشا و داوری دیگران قرار می گیرد (گیدنز، ۱۳۸۸).

تفاوت مقاله حاضر با پژوهش های پیشین آن است که در این مقاله هویت اجتماعی زنان در دو نوع از رمانهای عامه پسند و نخبه گرای زن نگار در دهه هشتاد و نود بررسی و مقایسه شده و نوع نگاه و دغدغه های نویسندگان این آثار درباره زنان تبیین شده است و از این نظر تازگی دارد.

## روش تحقیق

هویت یکی از مؤلفه های حیات و محصول تلاش انسان برای معنی بخشی به زندگی است. شناخت هویت اجتماعی یک جامعه با مطالعه آثار هنری آن میسر می شود. رمان، به منزله یک فرم هنری مدرن بر اساس نظریه بازتاب، برگردانی از زندگی اجتماعی است که در دوران معاصر، زنان در آن سهم انکارناپذیری داشته اند. به همین سبب با استفاده از رویکردهای مدرن جامعه شناسی می توان به بررسی متون ادبی پرداخت و به این ترتیب به شناخت هویت بخشی از جامعه دست یافت. در این پژوهش، با بررسی هویت و زیست روزمره قهرمانان زن داستان ها در بستر حوادث و ماجراهای داستانی، سعی کرده ایم تا به تصویری از هویت اجتماعی زنان در آثار نویسندگان زن دهه

هفتاد شمسی ایران در دو نوع رمان‌های عامه‌پسند: نخبه‌گرا، طوبی و معنای شب، از شیطان آموخت و سوزاند رمان عامه‌پسند: چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم، بگذار عاشقت باشم دست یابیم. بررسی‌ها نشان می‌دهد که در رمان‌های نخبه‌گرا، هویت زنان، دغدغه اصلی نویسندگان است و به طور مشخص در هویت‌یابی زنان نوشته شده‌اند؛ اما در داستان‌های عامه‌پسند، زنان داستان‌ها از فردیت و استقلال هویتی برخوردار نیستند و خوداندیشی و جست‌وجوی هویت، موضوع محوری آن‌ها نیست.

هویت یکی از مؤلفه‌های حیات و محصول تلاش انسان برای معنی بخشی به زندگی است. شناخت هویت اجتماعی یک جامعه با مطالعه آثار هنری آن میسر می‌شود. رمان، به منزله یک فرم هنری مدرن بر اساس نظریه بازتاب، برگردانی از زندگی اجتماعی است که در دوران معاصر، زنان در آن سهم انکارناپذیری داشته‌اند.

تحلیل توصیفی و مقایسه‌ای هویت اجتماعی زن در رمان‌های نخبه‌گرا: «طوبی و معنای شب، از شیطان آموخت و سوزاند»؛ و رمان‌های عامه‌پسند: «چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم، بگذار عاشقت باشم».

### تحلیل یافته‌های پژوهش

#### خلاصه رمان طوبی و معنای شب

رمان طوبی و معنای شب داستان دختری زیبا رو با گیسوان طلایی و خانواده اش را در یک دوره ی هفتادساله‌ی پیش از مشروطه تا انقلاب اسلامی را روایت می‌کند. طوبی از پدری دانشمند ملقب به ادیب و مادری بی‌سواد و ساده متولد می‌شود. پدر مرید اندیشه‌ی ملاصدرا و از برگزیدگان دربار مشیرالدوله است. ادیب پسر ارشد خانواده است که مطابق سنت بعد از مرگ پدر وارث او و زنان بافنده‌ی خانه شده و پس از تازیه‌ای که از انگلیسی بیگانه به واسطه‌ی اینکه باعث شد اسب او رم کند می‌خورد، تصمیم می‌گیرد بر خلاف دیگر دختران هم سن و هم دوره به طوبی علم و قرآن بیاموزد.

در انتهای داستان طوبی پیرزنی تنه‌است که فرزندانش هریک در زمانی و به علتی او را ترک کرده اند اما او در خانه مانده است چراکه تمام مدت این احساس را داشته که وظیفه‌اش نگهداری از خانه است درحالی که انتهای داستان با روشن شدن این امر همراه است که طوبی طی سال‌ها نه به اختیار که به جبر زمانه اسیرخانه بوده است و اینک نیز زمان آن رسیده است تا دنیا را بدرود بگوید.

#### نقد ساختاری هویت اجتماعی رمان طوبی و معنای شب

##### توصیف اجتماعی طوبی

«برخی ویژگی‌های ظاهری داستان اجتماعی است. برخی رفتارهای اجتماعی از طریق حرف زدن، لباس پوشیدن و رفتارهای اجتماعی، می‌تواند در ساختن یک شخصیت بسیار مؤثر باشد» (اخوت، ۱۳۹۲)

یکی از مفاهیمی که نویسنده این داستان قائل به آن است، جدال بین سنت و مدرنیته است. این تضاد و تفاوت را در ظاهر و رفتار اجتماعی طوبی، در مجالسی که نشانه‌هایی از فرهنگ غرب در آن وجود دارد، می‌توان دید.

«شاهزاده فریدون میرزا در سرداری قدیمی‌اش و طوبی در چادر سیاه همانند دو غاز در میان دسته چلچلگان و هددهان شانه به سر ناساز می‌خواندند» (پارسی پور، ۱۳۸۲)

##### تأثیر محیط بر هویت اجتماعی زن

بر اساس پژوهشی که ولی زاده انجام داده است، در بسیاری از رمان‌ها زنان در لایه‌های درونی‌تر در خانه، سکون و در گیرودار گذشته و خیال و مرد با مفاهیم تحرک، تغییر و دنیای خارج از خانه به تصویر کشیده می‌شوند. او می‌نویسد: زن در جامعه سنتی حافظ سنت‌ها، انتقال دهنده ارزش‌ها و رفتارهای کهن جامعه به نسل جدید است. او به خاطره پیوند خورده و یادآور گذشته است. تقسیم کار جنسیتی و تکراری بودن کارهای خانگی به معنا باختگی زندگی زنان می‌انجامد. درواقع این مناسبت‌های مکانی که

درون زنانه و بیرون مردانه را شکل می‌دهد، به پیوند خوردن زن با خاطره و خیال و گذشته می‌انجامد، چراکه در دنیای تنگ و محدود خانه ماندن، حوادث زیادی در پی ندارد. ولی‌زاده می‌نویسد: به دلیل فضای تنگ و محدود خانه، رخدادها و تجربیات نقل شده در رمان‌ها اغلب محدود و تکراری بوده و بخش اعظم این رمان‌ها را نه وقایع عینی، بلکه مرورهای ذهنی تشکیل داده‌اند. در نتیجه این امر، شخصیت‌های زن در این رمان‌ها بیشتر در دنیای ذهن زندگی می‌کنند و در حال مرورهای ذهنی هستند. پیوند خوردن زنان با خاطره و گذشته و پیوند خوردن طوبی با مالیخولیای خیال، در ارتباط با مناسبات مکانی است. طوبی تصمیم می‌گیرد، اراده می‌کند، اما در نهایت راه به جایی نمی‌برد و هیچ‌یک از تصمیماتش به واقعیت نمی‌پیوندد بلکه آنها را به دنیای ذهن و به خیال‌بافی حواله می‌کند. در این رمان، تقابل دنیای ذهنی و عینی، ناآگاهی و مالیخولیایی بودن، در نتیجه مناسبات دو قطبی مکانی رخ می‌دهد.

### گفتمان مسلط و هویت اجتماعی زن

در گفتمان مسلط در رمان، صورت طبیعی تلقی شده نشانی دوسویه بین مکان و جنسیت، تناظر زن/درون و مرد/بیرون است، بنابراین با برهم خوردن این تناظر، فاجعه رخ می‌دهد. اجازه دهید در ابتدا نتایج تخطی طوبی از امر گفتمانی طبیعی تلقی شده را ترسیم کنیم؛ رسیدن طوبی به آگاهی، دست به کنش زدن و تصمیم به جدایی و همچنین مکافات عمل و از دست دادن شاهزاده. طوبی، دو بار به تنهایی از خانه بیرون می‌رود و هر بار تأثیری چشمگیر در روند زندگی او می‌گذارد. دفعه اول، چهار سال پس از ازدواجش، برای اولین بار به بیرون می‌رود و نیز روزهای بعد از آن که در نتیجه تصمیم به جدایی از شوهرش می‌گیرد. این دست به کنش زدن و مصمم بر آن ایستادن، نتیجه اولین خروج او از خانه و آگاهی‌ای بود که با دیدن اوضاع جامعه و شناخت نسبی از خود به دست آورد. بنابراین بیرون رفتن طوبی از خانه به آگاهی او می‌انجامد. بنابراین، در بیرون بودن طوبی چند نتیجه در پی دارد: آگاهی، کنش‌گردش طوبی و مجازات گفتمان مسلط؛ طوبی در واقع به همان اندازه که از قوانین گفتمان مسلط عدول می‌کند، مجازات می‌شود و شاهزاده را از دست می‌دهد. جدال طوبی با قوانین گفتمان مسلط، برنده شدن جامعه و شکست طوبی را در پی دارد. شکستی که در پایان رمان به وضوح با تنهایی طوبی عین می‌شود و با مرگ او، اندیشه‌هایش نیز مدفون می‌شود.

### خلاصه رمان چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم

رمان چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم داستان زنی ارمنی در آبادان دهه ۴۰ است که همسرش در شرکت نفت مشغول به کار است و همراه او و سه فرزندشان در خانه‌های سازمانی زندگی می‌کنند. مادر و خواهر کلاریس نیز در نزدیکی آنها زندگی می‌کنند. به طور کلی این داستان روایتگر زندگی زنانی است که در روزمرگی غرق شده‌اند و بدون هیچ هدف یا رویایی به زندگی ادامه می‌دهند. در بعضی موارد تلنگری ایجاد می‌شود و این زنان درمی‌یابند که باید چیزی را به عنوان هدف زندگی خود انتخاب کرده و برای آن تلاش کنند.

### بررسی هویت اجتماعی در رمان چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم

چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم داستان زندگی زنی ارمنی به نام کلاریس را در آبادان دهه چهل به تصویر می‌کشد که با همسرش، آرتوش و سه فرزند خود، آرمن پسر بزرگ و دختر دوقلو به نام‌های آرمینه و آرسینه در یکی از خانه‌های سازمانی شرکت نفت زندگی می‌کند. او زنی کدبانو، تمیز، خانه دار است که تمام مسئولیت زندگی‌اش را به دوش می‌کشد و همیشه با افکارش درگیر است علایق خود را نادیده می‌گیرد و هیچ وقت به صراحت ناگفتنی‌ها، آرزوها و افکار پنهانش را بیان نمی‌کند. اعضای خانواده نیز نقش حمایت‌گرایانه خود را در قبال کلاریس و ابراز محبت به او به فراموشی سپرده‌اند به همین جهت وقتی جایگاه خود را در میان خانواده‌اش بررسی می‌کند،



خود را تنها می‌یابد، زیرا می‌داند که فقط به فکر برآوردن نیازهای دیگران بوده و در مقابل با بی‌تفاوتی و بی‌اعتنایی آن‌ها مواجه شده است.

۱۱۱۱

### خلاصه رمان بگذار عاشقت باشم

داستان رمان بگذار عاشقت باشم با خبری دلهره آور و ناراحت کننده‌ی تخلیه‌ی پرورشگاه پردیس شروع می‌شود. همان پرورشگاهی که آوا در آن بزرگ شده بود و حالا خودش در آنجا موسیقی تدریس می‌کند و بچه‌ها را مثل خانواده‌ی خودش دوست داشت او حتی یکی از بچه‌های پردیس را علارغم مشکلات و موانعی که برای او وجود داشت به نحوی به فرزند خواندگی گرفته بود و همچون فرزند خونی خودش او را دوست می‌داشت و برایش مادری می‌کرد. پس از شنیدن این خبر آوا با خشم و تنفر تصمیم می‌گیرد آخرین راه‌ها را هم امتحان کند تا تنها نوه و وارث مالک زمین‌های پرورشگاه یعنی آقای سهیل رادمهر را از این کار منصرف کند.

### بررسی هویت اجتماعی در رمان بگذار عاشقت باشم

رمان «بگذار عاشقت باشم» به موضوع عشق و روابط انسانی می‌پردازد. در این داستان، نویسنده تلاش می‌کند تا پیچیدگی‌های عشق و احساسات انسانی را با جزئیات به تصویر بکشد. از جمله مضامین اصلی رمان می‌توان به تعهد، وفاداری و پیچیدگی‌های روابط عاطفی اشاره کرد.

زهرا یگانه از زبانی ساده و در عین حال شاعرانه برای روایت داستان خود استفاده می‌کند. توصیف‌های زیبا و دقیق از احساسات و محیط‌ها، فضای خاصی را به داستان می‌بخشد که خواننده را به دنیای داستانی خود می‌کشاند. نویسنده با استفاده از دیالوگ‌های طبیعی و بی‌تکلف، روابط بین شخصیت‌ها را باورپذیرتر می‌کند.

ساختار رمان به گونه‌ای است که خواننده را درگیر و مشتاق نگه می‌دارد. پیرنگ داستان دارای پیچ و خم‌های جذابی است که خواننده را تا پایان داستان همراهی می‌کند. نقطه اوج و پایانی که نویسنده برای داستان در نظر گرفته، به خوبی به موضوعات مطرح شده پاسخ می‌دهد و رضایت خواننده را جلب می‌کند.

این رمان نه تنها یک داستان عاشقانه است، بلکه پیام‌های عمیقی درباره عشق، زندگی، و روابط انسانی به همراه دارد. «بگذار عاشقت باشم» به خواننده یادآوری می‌کند که عشق واقعی نیازمند تلاش، صبر و درک متقابل است. همچنین، نویسنده با پرداختن به چالش‌های روابط عاشقانه، به اهمیت وفاداری و تعهد در عشق اشاره می‌کند.

### خلاصه رمان از شیطان آموخت و سوزاند

این رمان شامل دست نوشته‌های روزانه زنی میانسال، مسیحی و بیخامان است که شب‌های خود را در کتابخانه می‌گذراند. این زن مسیحی که با نام دختر آنوش در رمان به خود اشاره می‌کند پدرش را نمی‌شناسد و مادرش سالها قبل در یک بیمارستان روانی از دنیا رفته است. در روزگار جوانی منشی مدیرعامل یک شرکت بزرگ در لندن بوده است اما به دلایل نامعلومی با یک مرد مسلمان ایرانی ازدواج می‌کند و برای زندگی به ایران بازمی‌گردد اما به دلایلی که چندان روشن ذکر نشده است او همه چیز را از دست می‌دهد و تنها و بدون پول گرفتار فرودگاه می‌شود.

### بررسی هویت اجتماعی در رمان از شیطان آموخت و سوزاند

از شیطان آموخت و سوزاند نوشته فرخنده آقایی از رمان‌های برجسته معاصر فارسی است که موفق به دریافت جایزه منتقدان مطبوعات شده است. این اثر، روایتی از زندگی آدم‌های شهری است. زندگی و وضعیت زن داستان در دنیای شهر، دغدغه اصلی نویسنده را شکل می‌دهد. استفاده از تکنیک قدیمی، اما جذاب یادداشت‌های روزانه و توجه خاص به عنصر زمان در روایت، از ویژگی‌های درخور توجه این

کتاب است. نویسنده با این تمهید هنری، رمان را به سمت یک بافت درخشان فرمی پیش می‌برد و زمانی نزدیک به دو سال از زندگی شخصیت اصلی را روایت می‌کند و به‌خوبی، بی‌مکانی و بی‌خانمانی قهرمان داستان را با این قالب روایی به تصویر می‌کشد. برجسته‌سازی زمان، به ویژه انتخاب کانون روایت مناسب، در باورپذیری زندگی سخت شخصیت اصلی داستان و روحیات او در ذهن مخاطب نقش تعیین‌کننده دارد.

«از شیطان آموخت و سوزاند» نوشته فرخنده آقایی؛ رمان «بازگشت» از مجموعه دیدار، نوشته احمد محمود را به یادم آورد. منتقدان آثار احمد محمود معتقدند: «بازگشت» را چه از لحاظ فرم و تکنیک و چه از لحاظ مضمون می‌توان شاهکار محمود دانست. احمد محمود در رمان بازگشت، قدم به قدم دیوانه‌شدن شخصیت اصلی را به رشته تحریر در می‌آورد و جای آن که یک‌باره بنویسد: شاسب دیوانه است یا علائم دیوانگی را به مخاطب بفهماند، در ابتدای رمان، «تو را با مردی سالم که از زندان آزاد شده و دارد به شهر خود برمی‌گردد، مواجه می‌کند و در اواخر رمان به خودت می‌گویی انگاری شاسب دارد دیوانه می‌شود». همین حس و حال را راوی رمان فرخنده آقایی به مخاطب می‌دهد؛ با این تفاوت که در پایان رمان، «تو با قاطعیت نمی‌دانی راوی دیوانه بود یا نه»؛ درست به همین علت، راوی رمان «از شیطان آموخت و سوزاند». راوی غیر موثق و غیرقابل اطمینان است؛ «گاهی نمی‌دانی حرف‌هایش را باور کنی یا نه؟ نمی‌دانی آیا در کلیسا به او تجاوز شد یا توهمی بود که او بدان دچار شده بود؟ پزشکی قانونی درست می‌گوید یا راوی و اقوام و اهل کلیسا؟» در ابتدای رمان، خواننده گمان می‌کند راوی دختری کم‌سن و بی سرپناه و فقیر است، اما هرچه جلوتر می‌رود، زوایای پنهان داستان آشکار می‌شود و سوالاتی که در ذهن خواننده به وجود می‌آید؛ صفحه به صفحه بیشتر می‌شود. زنی مسیحی که با مردی مسلمان ازدواج می‌کند و مسیحیان او را طرد می‌کنند و بعد از طلاق، پسر پا به سن بلوغ گذاشته‌اش را به پدر مسلمانش می‌دهند. تمام رمان به صورت روزنوشت‌های یک دفترچه یادداشت نوشته شده است. راوی یادداشت‌ها را برای خودش می‌نویسد نه مخاطب، با این پیش‌فرض که همه را می‌شناسد و این هنر قلم آقایی را به رخ می‌کشد، هرچند که به عقیده نگارنده «از شیطان آموخت و سوزاند» به اطناب متن دچار است و آقایی در ویراست نهایی می‌توانست از گنجاندن شب‌های زیادی در رمان صرف نظر کند. یادداشت‌هایی که حذف آن‌ها صدمه‌ای به روایت اصلی وارد نمی‌کند؛ بلکه این حذف حواشی به تمرکز بیشتر خواننده کمک می‌کند.

## نتیجه‌گیری

در این مقاله، بررسی گسترده‌ای بر هویت اجتماعی زن در رمان‌های زن نگار نخبه‌گرا و عامه‌پسند دهه هشتاد و نود شمسی انجام شد. با تحلیل دقیق داستان‌ها و شخصیت‌های زنان در این دو جریان نگارشی، ابعاد مختلفی از هویت اجتماعی زنان به تصویر کشیده شد. در رمان‌های نخبه‌گرا، زنان به عنوان افرادی با هویت‌های پیچیده و متنوع تر، دارای آگاهی اجتماعی و شخصیت‌های پویا تر تصویر می‌شوند. این رمان‌ها با تمرکز بر مسائل اجتماعی و فرهنگی، به نقد و تفکر پیرامون مسائل زنانه می‌پردازند. در مقابل، رمان‌های عامه‌پسند با تمرکز بیشتر بر داستان و ساختار ساده‌تر، زنان را به تصویری تا حدی سطحی نشان می‌دهند. این رمان‌ها تمایل دارند که هویت اجتماعی زنان را در چارچوب‌های سنتی تر و خواننده‌محورتر نمایش دهند. در رمان‌های نخبه‌گرا، هویت زنان به عنوان افراد پویا و پر از تنوع به تصویر کشیده شده است، در حالی که در رمان‌های عامه‌پسند، تمایل به نمایش هویت زنان در چارچوب‌های سنتی و متعارف وجود دارد. رمان‌های نخبه‌گرا با ارائه تصویری پیچیده از زنان، به تفکر و درک اجتماعی خواننده افزوده و ایجاد تشویق به تفکر نقدی در آنها می‌کنند. رمان‌های عامه‌پسند بیشتر به سرگرمی و داستان محور بوده و اغلب از جلب خواننده با داستان‌های جذاب استفاده می‌کنند. رمان‌های نخبه‌گرا با ابراز نقدهای اجتماعی درباره مسائل زنانه، نقش فعال‌تری در تحولات اجتماعی داشته‌اند. رمان‌های عامه‌پسند نیز ممکن است به نقدهای اجتماعی بپردازند، اما با تمرکز کمتر و به شکل ساده‌تر.



## منابع

- اخوت، احمد. (۱۳۹۲). «دستور زبان داستان»، اصفهان: فردا.
- پارسی‌پور، شهرنوش. (۱۳۶۸). «زنان بدون مردان»، تهران: نشر قطره.
- پاینده، حسین. (۱۳۸۹). «شهرزاد قصه‌گو داریم نه شهراد»، خردنامه، همشهری ش ۵۶، صص ۱۷۳-۱۶۶.
- جعفری، حسن. (۱۳۸۸). «بررسی نظریه ارنست کاسیرر درباره اسطوره»، در پژوهشنامه ادیان، شماره ۶.
- جنگینز، ریچارد. (۱۳۹۱). «هویت اجتماعی»، ترجمه تورج یاراحمدی، تهران: پردیس دانش.
- حسینی، مریم. (۱۳۸۸). «ریشه‌های زن‌ستیزی در ادبیات کلاسیک فارسی»، تهران: چشمه.
- خسروی، ابوتراب. (۱۳۹۲). «حاشیه‌ای بر مبانی داستان‌نویسی»، تهران: ثالث.
- دستغیب، عبدالعلی. (۱۳۹۱). «مجموعه مقالات: از دریچه نقد»، تهران: خانه کتاب.
- قبادی، حسینعلی و غیاث‌الدین منیژه. (۱۳۸۳). «ظرفیت‌های ادبیات فارسی در بازیابی هویت ایرانی در هویت در ایران، رویکرد اجتماعی، فرهنگی و ادبی»، تهران، صص ۱۶۳-۱۴۳.
- میرعابدینی، حسن. (۱۳۷۷). «صدسال داستان‌نویسی»، تهران: نشر چشمه.

## Examining the social identity of women in the 2000s and 2010s (A case study of elitist and popular novels)

Ziba Moradi

Master's student in the field of literature, Islamic Azad University, Shiraz branch, Iran

Zahra Rafiei

Member of Faculty of Literature, Islamic Azad University, Shiraz Branch, Iran

### Abstract

In this article, by examining the identity and everyday life of female protagonists in the context of fictional events and adventures, we have tried to create an image of the social identity of women in the works of women writers of the 1970s in Iran in two types of elitist novels: "Tobi And the meaning of the night, learned from the devil and burned" and the popular novel: "I turn off the lights, let me love you". Studies show that in elitist novels, the identity of women is the main concern of the authors, and they are specifically written to find the identity of women; But in popular stories, the women of the stories do not have individuality and identity independence, and self-thinking and searching for identity is not their central issue. Considering the effect of the novel, in shaping people's knowledge and mentality about social issues, and considering the widespread presence of women writers in the field of novel writing in the 1980s and 1990s, this article seeks to represent the social identity of women in the context of fiction. determines the way the female protagonist acts in different story situations, which can be a representation of the female identity that exists in the society.

Keywords: social identity, novel, elitist, popular, women